

حذف صفرهای پول ملی از ابتدای سال ۱۳۹۳

بانک مرکزی با اعلام اینکه نتایج تطبیقی نظرسنجی آنلاین و میدانی درباره حذف صفرها از پول ملی به زودی منتشر می شود خبر داد که بر اساس لایحه تدوین شده زمان شروع طرح ابتدای سال ۱۳۹۳ در نظر گرفته شده است. پس از تصویب برنامه حذف چهار صفر از پول ملی در جلسه ۱۹ تیر ۹۰ هیات دولت، پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی به منظور اطلاع رسانی درباره ابعاد مختلف این برنامه از ۲۵ تیرماه ۹۰ آغار به کار کرد.



در گفتگوی اتمصاصی نگین با دکتر مرتضی فرهادی؛ جامعه شناس مطرح شد:

از خود، عبور باید کرد



نبوغ چیزی نیست، جز کار و کار و کار

بهر روز توکل

مصاحبه کننده

جناب آقای دکتر به عنوان اولین سؤال کمی از خودتان برای ما بگویید؟

اینجانب در سال ۱۳۲۳ در ملایر متولد شده ام. از دو سالگی، سه خاطره از همدان برایم به جای مانده است و دوران کودکی و زبان آموزیم در مهاباد زیبا و مردمان انسان و مهربان و صلح جو و خردمند ۶۰ سال پیش سپری شد، نوجوانی و جوانی ام در تأثیرگذارترین شهر کوچک ایران معاصر (خمین) و سپس دو سالی در روستای الیگودرز لرستان و چهار سالی در کرج و مامازن و گلپایگان و غیره، البته چنین اطلاعاتی و همچنین تا حد زیادی کارنامه و برخی مقالات و نقد و نظرها درباره کارهای پژوهشی اینجانب بر روی سایت ها وجود دارد، اما یک نکته که در جایی ذکر نشده؛ این است که در ۲۸ سالگی سال ۱۳۵۱ بدون تغییر تابعیت ولایات یاد شده بر پایه ضرب المثل مشهور: از درویشی پرسیدن که کجایی هستی؟ سیرجانی شدم و هفده سال بعد در سال ۱۳۶۸ در سمینار تاریخ و فرهنگ سیرجان و در یک جلسه پر جمعیت و رسمی همچون مرحوم لوویس هنری مورگان پدر مردم شناسی آمریکا که در سال ۱۸۴۶ در جشن خرمین به عضویت افتخاری قبایل سنکای آمریکا درآمد به شهروندی افتخاری سیرجانی مفتخر شدم. در این سمینار کسانی همچون استاد باستانی پاریزی و شادروان دکتر طاهره صفارزاده و اینجانب برای سخنرانی دعوت شده بودند و البته در آن جلسه نماینده استانداری کرمان نیز حضور داشت و این سمینار الگوی کرمان شناسی و به دنبال آن همایش کرمان شناسی «رو بُر» استان شناسی های مختلف قرار گرفت. در این سمینار شادروان رعایی و استاد آزادخواه و جناب حمید نیک نفس (رئیس وقت اداره ارشاد اسلامی سیرجان) و سازنده بادگیر چپقی نیز سخنرانی داشتند و البته فرماندار وقت (آقای ارباب) و دیگران نیز حضور داشتند. در این سمینار از مرحوم هدایت زاده آموزگار دوران دبستان استاد باستانی پاریزی و سازنده بادگیر چپقی تجلیل به عمل آمد که در منظر اینجانب زیباترین و اخلاقی ترین بخش این سمینار بود. البته من نیز که به سهم خود در دهه شصت و هفتاد، سالها برای پیشگیری از نابودی قریب الوقوع این بادگیر تقلا کرده بودم از تثبیت جایگاه این اثر بی نظیر در این همایش طبیعتاً بسیار خوشحال و ذوق زده بودم و در همین جا از همه بزرگان و بزرگوارانی که به سخنان اینجانب گوش فرا دادند و در حفظ این اثر یگانه مستقیم و غیر مستقیم کوشیدند، سپاسگذاری می کنم و امیدوارم امروزه نیز بزرگانی یافت شوند که در فکر آثار باقیمانده این شهرستان از جمله باغ سنگی و ثبت چنین آثاری باشند.

شهر سیرجان را چگونه توصیف می کنید؟

البته توصیف تاریخی و علمی یک شهر کهن، سال آسان نیست. همین اندازه بگویم که اگر زمان اجازه بدهد که دیگر بعید می دانم در کتاب از سیرگان تا سیرجان این توصیف به شکل مفصل خواهد آمد، اما برای اینکه این پرسش حداقل از رویه‌ی عاطفی بی جواب نماند؛ ممنون مولوی بزرگ هستم که پیشاپیش از زبان آیندگان نیز سخن گفته است. با زبان مولوی، سیرجان «شهر خوشتر» اینجانب است و جوانان کتاب گم کرده‌ی لبتاب به دست سیرجانی با ۳ کلید واژه (شهر) و خوشتر و مولوی آن را جستجو کند. در اینجا لازم است، تنها به یک نکته تاریخی در معماری ایران و جهان اشاره کنم. سیرجان به احتمال قوی نخستین شهر جهان است که در آن خانه‌ی گردنده و چرخان اختراع و ساخته شده است و البته توصیف فرهنگ این شهرستان و شهرهای پیرامون آن در مقالات و کتاب موزه های باز یافته، در حد گمانه زنی بازتاب یافته است.

چه جالب، ممکن است درباره این بنای گردنده بیشتر توضیح بفرمایید؟

به خاطر عطر نان گندم چرا که نه، مقدسی در احسن التقاسیم در بیش از هزار سال پیش درباره شهر سیرجان می نویسد: سیرجان مرکز کرمان و بزرگترین قصبه‌های آن است. دو بازار کهنه و نو دارد، با سرمایه های هنگفت و پارچه های قماشی که سیرجان از جهت آن معروفیت خاصی دارد. جمعی در میان آن دو بازار است. عضدالدوله گلدسته هایی شگفت آور در میان آن برپا داشته، بر بالای آن دستگاهی پیچیده و چوبینی نهاده که بخشی از آن می چرخد.

از پژوهش های جنابعالی درباره سیرجان تاکنون چه مقالاتی به چاپ رسیده است؟

از حدود ربع قرن قبل، مقالاتی از این پژوهش ها به چند همایش ارائه شده و مقالات نسبتاً زیادی در مطبوعات وزین ایران به چاپ رسیده است و متأسفانه از آنجا که ما به گذشته و تجربیات نیاکانی و فرهنگی خود نمی اندیشیم، غالباً این نوشته ها غریب مانده اند و غالب تحصیلکرده گان و حتی روشنفکران شهرهای ما کمتر به دنبال چنین مسائل و مطالبی می باشند. گفتنی است که نوشتن هر مقاله، مؤلف به طور متوسط حدود چهار ماه وقت برده است. یکی از مقالات اینجانب درباره هنر عشایری سیرجان به نام نقش مازنجیل به تنهایی حاصل یک سال کار می باشد. در همین جا به برخی آثار مکتوب اشاره می کنم: ۱- مازنجیل (نشانه شناسی و ردیابی فرهنگی نقشی از نقش و نگارهای کلیمینه های طایفه کورکی سیرجان) نامه فرهنگ ایران، دفتر دوم (۱۳۶۵) بنیاد نیشابور، ۲- پُپ

در ضمن این کتاب، شامل مطالب کمیابی از استان کرمان و سیرجان و چند سند کمیاب تر از پاریز و روستاهای اطراف آن می باشند؛ همچنین از این کتاب فیلمی مستند به نام سرود دشت نیمه ور، به کارگردانی محمد رضا مقدسیان تهیه شده است که مورد توجه نقادان و انجمن انسان شناسی ایران واقع شده است.

شما در حوزه مردم شناسی رکورد دار چاپ مقاله در مجلات علمی پژوهشی و علمی ترویجی هستید. چگونه به این مهم دست یافته اید؟

نخستین بار است که در مباحث و مصاحبه ها چنین سؤالی پرسیده می شود؛ به ویژه متأسفانه در کلاس ها تا به حال چنین پرسشی به میان نیامده است، علت آن هم این است که در زمینه علوم اجتماعی کسی نمی پرسد: چگونه از سربازی به سرداری رسیده اید؟ ممکن است از یک ورزشکار به ویژه فوتبالیست ها بپرسند؛ اما از نویسندگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ هرگز. چرا که اینان در جامعه ما، اصولاً موفق ارزیابی نمی شوند. چرا که در روزگار ما ملاک های موفقیت چیزهای دیگری هستند. همچون درآمد و شهرت و غیره و به گفته امیرالمومنان «مردمان به روزگارشان شبیه ترند تا به پدرانشان». طبیعتاً مشکل بزرگتر، روزگار یا همان جامعه است و نه افراد و اشخاص. به هر حال ممنون هستم که چنین سوال کم یابی را مطرح کردید. خدا، پدر پاولف روانشناس را ببامزد که در تعریف نبوغ گفت: نبوغ چیزی نیست، جز کار و کار و کار. من نیز چهل و دو سال پیش، دانشجوی کارشناسی روان شناسی بودم، می گویم: موفقیت به این معنی نتیجه نبوغ است و البته نبوغ چیزی نیست جز کار و کار و کار. بر پایه روانشناسی هوش در هر چهارصد نفر یک تن نابغه هست و از هر چهارصد نفر یک نفر خنگ و خلوش. نوابغ ما کجایند؟ نوابغ ما نسبت به جمعیت هفتاد و پنج میلیونی به کجا رفته اند؟ این نوابغ به جایی رفتند که کار رفته است. به جوانان بسیار هوشمند سیرجانی، سفارش می کنم؛ هوش به تنهایی کافی نیست، کار را فراموش نکنند، همت را فراموش نکنند، گره زدن کار را به همت فراموش نکنند و بدینگونه از آدور و آدورستان و خار خوار و خارستان، گلدسته و گلستان درست کنند. هر چند که درست است که بنا بر ضرب المثلی فارسی، آرزو برای پیران عیب است، اما آرزوی پیران برای جوانان عیب نیست.

کتاب واره به عنوان نخستین اثر برگزیده علوم اجتماعی در چهارمین دوره جشنواره فارابی گویای ارزش کارهای اصیل پژوهشی و توانایی شماست. آیا نظیر این کتاب اثری را

گوش (واکسیناسیون پیش از پاستور) در میان عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن. «فصلنامه عشایری ذخیره انقلاب». شماره ۵ (زمستان ۱۳۶۷) به دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران و همچنین در: مجله دانشمند، سال ۲۹ شماره ۵ (مردادماه ۱۳۷۰). ۳- «نقش میش در هنرهای کلامی و ادبیات عامیانه عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن» فصلنامه هنر شماره ۱۱ (تابستان ۱۳۶۵). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین در: فصلنامه عشایری ذخیره انقلاب شماره ۷ (تابستان ۱۳۶۸). ۴- «تقویم آب و هوایی در ایلات و عشایر سیرجان، بافت و میمند و شهرباک» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. همچنین در فصلنامه عشایری ذخیره انقلاب، شماره ۱۱ (تابستان ۱۳۶۹) و همچنین در: نامواره دکتر محمود افشار، گردآوری ایرج افشار و کریم اصفهانیان، تهران، ۱۳۷۰، ۵- «انواع باران در فرهنگ و گویش سیرجان و چند شهر پیرامون آن» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره سوم، شماره ۱ (بهار ۱۳۷۸)، ۶- «مشک سازی و مشک زنی در روستاها و ایلات و عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن» فصلنامه کرمان، ش ۱۹۷ - «معرفی نقوش صخره ای نو یافته در سیرجان و شهرباک کرمان»، فصلنامه میراث فرهنگی، شماره ۱۷ (بهار و تابستان ۱۳۷۶)، سازمان میراث فرهنگی کشور.

خوانندگان علاقه مند برای دیدن نام و نشان سایر مقالات درباره سیرجان، بافت و بردسیر، شهرباک می توانند افزون بر سایت ها به پایان کتاب موزه های باز یافته و به ویژه در پایان کتاب انسان شناسی یا تهران نشر ثالث ۱۳۸۸ مراجعه نمایند.

عرضه ی آثار جنابعالی از چه دوره ای شروع شده است؟

چاپ آثار شعری و کاریکاتورهای مؤلف از ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ و آثار پژوهشی بعد از انقلاب اسلامی تا به امروز؛ همانگونه که در تاریخ چاپ مقالات دیده می شود از ربع قرن قبل.

کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، برنده ی برخی جوایز در سطح ملی بوده است. درباره موضوع این کتاب بیشتر توضیح بفرمایید؟

این کتاب اثر برگزیده ی کتاب سال جمهوری اسلامی در حوزه علوم اجتماعی در هشتمین دوره کتاب سال بوده است. همچنین جایزه نخست نهمین جشنواره روستایی و وزارت جهاد کشاورزی و کتاب برجسته ی دانشگاه تهران در هفتمین دوره کتاب های برگزیده دانشگاه های کشور را از آن خود کرده است. موضوع این کتاب معرفی انواع همکاری و گروه ها و سازمان های مشارکتی سنتی ایران در آبیاری و کشتکاری در سطح ملی است و